

**Intellectual and Moral Virtues of Transcendental Human Being
in View of Imam Khomeini**

Ibrahim Ali pour¹

Doi: 10.22034/MATIN.2023.203044.1521

Fatemeh Bahjat²

Dor: 20.1001.1.24236462.1402.25.99.3.7

Abstract


Research Paper

Intellectual and moral virtues are among the most important issues in contemporary anthropology. They play a key role in characterizing transcendental human being and his spiritual perfection. As a meritorious and pragmatic philosopher, Imam Khomeini recounts diversified characteristics for transcendental human being, many of which are collectable under intellectual and moral virtues. The four pillars of virtues, its intellectual and moral branches, their indefiniteness and ways for acquiring them, role of moderation in virtues and the status of virtue in human communities are among themes of interest for Imam Khomeini. Like Mulla Sadra, Imam Khomeini places science atop intellectual virtues as he places justice at the top of the moral virtues. Resorting to document analysis in its methodology, this paper intends to clarify Imam Khomeini's exclusive approach in using the pivotal concept of fitrat (innate disposition) in defining virtues that was generalized into prioritizing practical science over theoretical science throughout his own school of thought as an innovation exclusive to Imam Khomeini. His double emphasis on moral virtues versus intellectual virtues has augmented his attention to the formation of ideological utopia in line with virtuous life of human archetype. The supremacy of his fitrat-oriented and pragmatic approach generalized virtues from individual domain to political and social arenas. To him, purification of the soul is a key factor for virtuousness and darkness of mind and ignorance are obstacles to real virtues and proximity to God. In Imam Khomeini's view, virtuousness of man is so colorful that one can term his method of anthropology as virtuous anthropology.

Keywords: transcendental human being, wisdom, justice, moral virtue, intellectual virtue

1. Assistant Professor, Research Faculty of Islamic Philosophy and Theology, Islamic Sciences and Culture Academy, Chairman, Department of Islamic Philosophy and Theology, Jamia al-Zahra, Qom, Email: i.alipour@isca.ac.ir

2. PhD Student, Department of Sociology, Seminary and University Research Institute, Student of 3rd grade. Jamia al-Zahra, Qom. (Corresponding author) Email: bahjatfatemah@gmail.com

00090004-8155-9101

فضایل عقلانی و اخلاقی انسان متعالی از منظر امام خمینی (ره)

ابراهیم علی پور^۱

DOI: 10.22034/MATIN.2023.203044.1521

فاطمه بهجت^۲

DOR: 20.1001.1.24236462.1402.25.99.3.7

مقاله پژوهشی

چکیده: فضائل عقلانی و اخلاقی از مهم‌ترین مسائل انسان‌شناسی معاصر است. این مبحث در ترسیم انسان متعالی و استکمال نفس جایگاه ویژه‌ای دارد. امام خمینی فیلسوفی فضیلت مدار و عمل‌گراست که ویژگی‌های متعددی را برای انسان متعالی برمی‌شمارد. بسیاری از این ویژگی‌ها تحت عنوان فضایل عقلانی و اخلاقی قابل جمع‌اند. بیان اجناس چهارگانه فضایل، اقسام عقلانی و اخلاقی آن، نامتناهی بودن و چگونگی کسب آن‌ها، نقش اعتدال در فضایل و جایگاه فضیلت در اجتماع انسانی از مباحث مورد توجه ایشان است. امام همچون ملاصدرا، علم را در رأس فضایل عقلانی و عدالت را در رأس فضایل اخلاقی مطرح کرده‌اند. پژوهش حاضر با روش مطالعه اسنادی در پی تبیین رویکرد خاص امام خمینی در استفاده از مفهوم محوری فطرت در تعریف فضایل است که در بستر رویکرد تقدم علم عملی بر نظری ایشان در سراسر منظومه فکریشان گسترده شده و از ابتکارات ویژه ایشان است. تأکید مضاعف امام بر فضایل اخلاقی نسبت به فضایل عقلانی سبب توجه ویژه ایشان به تشکیل مدینه فاضله در راستای فضیلت‌مندی نوع انسان است. غلبه رویکرد فطرت محورانه و عمل‌گرایانه ایشان سبب تسری فضایل از حوزه فردی به حوزه مسائل سیاسی و اجتماعی است. وی تزکیه نفس را عامل فضیلت‌مندی و حجب ظلمانی و نورانی را مانع دستیابی به فضیلت حقیقی و قرب باری تعالی دانسته است. فضیلت‌مندی انسان در اندیشه امام به حدی پرنرنگ است که می‌توان روش او را انسان‌شناسی فضیلت‌گرایانه دانست.

کلیدواژه‌ها: انسان متعالی، حکمت، عدالت، فضیلت اخلاقی، فضیلت عقلانی.

۱. استادیار گروه فلسفه و کلام اسلامی، پژوهشکده فلسفه و کلام اسلامی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، مدیر گروه پژوهشی فلسفه و کلام اسلامی جامعه الزهرا (س)، قم، ایران. E-mail: i.alipour@isca.ac.ir
۲. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، طلبة سطح ۳ جامعه الزهرا (س)، قم، ایران. E-mail: f.bahjat@rihu.ac.ir (نویسنده مسئول)

00090004-8155-9101

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۷/۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۴/۲۱

پژوهشنامه متین / سال بیست و پنجم / شماره نود و نه / تابستان ۱۴۰۲ / صص ۲۳-۵۱

مقدمه

حکمت عملی در کنار حکمت نظری بخش مهمی از تاریخ اندیشه را تشکیل می‌دهد. در این میان، توجه به فضیلت و نظریه‌پردازی حول محور آن، نقطه عطف حکمت عملی به شمار می‌رود. به گونه‌ای که فیلسوفان فضیلت، بخش مهمی از تاریخ پژوهش‌های اخلاقی را به این مهم اختصاص داده‌اند؛ مکتب فضیلت محوری جزء اولین مکاتب فکری است به گونه‌ای که اندیشمندانی همچون سقراط و افلاطون به فیلسوفان فضیلت مشهورند. فضیلت‌گرایی (افلاطون و ارسطو)، وظیفه‌گرایی (کانت) و نتیجه‌گرایی (بنتام و میل) از مکاتب اخلاقی مطرح و مباحث مورد توجه اندیشمندان اخلاق است (ر.ک. به: مطهری، ۱۳۷۵، صص. ۶۵-۱۲). اخلاق فضیلت جزء اندیشه‌های پیشین و معاصر محسوب می‌شود (ر.ک. به: زگرسیگی، ۱۳۹۲). به علاوه رابطه فضیلت و معرفت و جایگاه فضیلت در هستی نیز از مهم‌ترین مباحث بوده است. توجه به فضیلت را می‌توان بخش مهمی از انسان‌شناسی دانست که با اندیشه انسان متعالی و سعادت ارتباط وثیقی برقرار کرده است تمامی اندیشمندانی که دغدغه انسان متعالی را داشته‌اند به بحث فضایل نیز پرداخته‌اند. از این رو، تبیین چستی فضایل و مصادیق آن از اهمیتی دوچندان در انسان‌شناسی اخلاقی برخوردار است. در فلسفه اسلامی نیز ارتباطی عمیق بین انسان متعالی و فضیلت‌مندی برقرار بوده است. مباحث فضیلت‌مندی را می‌توان در فلسفه، کلام، اخلاق، انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی و علوم اجتماعی - سیاسی پیگیری کرد؛ و از ثمرات علمی و عملی آن در تعالی انسان و جامعه بهره جست. نراقی، فارابی و ابن مسکویه به فیلسوفان فضیلت گرا مشهورند؛ حتی متکلم برجسته‌ای چون خواجه نصیرالدین طوسی در مباحث اخلاقی خویش به تفصیل از فضایل سخن به میان آورده است. آثار این اندیشمندان مشحون از ارتباط فضیلت با انسان متعالی است.

غایت ارسال رسل و انزال کتب در همه ادیان الهی تعالی و سعادت انسان است و فضیلت‌مندی نقش بی‌بدیلی در وصول آدمی به چنین غایتی دارد. در اندیشه اسلام فضایل به عنوان رأس ایمان انسان متعالی معرفی می‌شوند (کلینی، ۱۳۶۹، ج ۲، ص. ۸۹). تأکید قرآن کریم و روایات بی‌شمار در باب فضایل اخلاقی تا جایی است که سعادت آدمی را در گرو اکتساب فضایل اخلاقی می‌داند. فضایل دینی با تعابیری نظیر تقوا و جهاد اکبر در اسلام

به‌عنوان ملاک ارزش‌گذاری آدمی در نزد پروردگار مطرح است (کلینی، ۱۳۶۹، ج ۳، ص. ۱۲۱). تأکید ادیان توحیدی به‌ویژه اسلام بر فضایل دینی سبب توجه فیلسوفان مسلمان به فضیلت دینی در کنار فضیلت ذاتی است. فضایل دینی و ذاتی معیارهای روشن و اکثراً عینی برای ارزیابی تعالی انسان می‌باشد و خداوند نیز انسان را با این معیارها ارزش‌گذاری و سنجش می‌کند که «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاهُمْ» (حجرات: ۱۳). تحقق ثمرات علمی و عملی فضایل در انسان و جامعه متعالی مورد اهتمام ادیان الهی به‌ویژه اسلام و از اهداف انبیای الهی در طول تاریخ بوده است.

انسان متعالی رکن اندیشهٔ ملاصدرا و اسفار اربعهٔ او سیر سعهٔ وجودی انسان با غایت تعالی و تکامل است. در تفکر ملاصدرا فضیلت‌مندی مؤثر در اندیشه و فرهیختگی علمی و عملی و پیش‌فرض هر سعادت و کمالی است انسان‌شناسی امام خمینی علاوه بر صورت‌صدراپی و سیرت دینی به سبب غلبه نگاه عمل‌گرایانه، مملو از توجه به ارزش‌ها و نیکی‌های اخلاقی مبتنی بر فطرت و تربیت الهی انسان است. چنانکه فضایل عقلانی را مقدمهٔ عمل دانسته و بدون بعد عملی آن‌ها را حجایی بیش نمی‌داند. «غایت عقل مستفاد، فناء فی الله است و عقل عملی هم که آخرین مرتبه‌اش فناء فی الله است، پس غایت هر دو عقل در آخر یکی شد و لو در آغاز از هم جدا بودند. ناگفته نماند: کمال انسانی، به عقل عملی است نه به عقل نظری؛ چنانکه گفتیم که ممکن است انسان، برهان داشته باشد ولی در مرتبه کفر و شرک باقی بماند، ولی عقل عملی، همان ارجاع کثرت به وحدت عملاً و خارجاً است؛ لذا کمال انسان به عقل عملی اوست نه به عقل نظری» (اردبیلی ۱۳۸۱، ج ۳، ص. ۳۵۴). از نظر وی فضایل ذاتی برخاسته از گرایش‌های فطری و فضیلت‌های دینی هر یک سنگ بنایی از ساختار هویت انسان متعالی و جامعه آرمانی است. فضیلت‌مندی رکن ولایت‌فقیه در اندیشهٔ سیاست متعالیه اوست چنانکه عدالت به‌مثابه سنگ زیرین فضایل عملی، محوری‌ترین رکن ولایت‌فقیه است به‌گونه‌ای که به اذعان مهم‌ترین نظریه‌پردازان ولایت‌فقیه تنها با یک عمل منافی عدالت، ولایت ساقط می‌شود. اندیشه‌های فضیلت‌گرایانهٔ امام خمینی که برگرفته از سه حوزهٔ عقلانیت، شریعت و اخلاقیات مبتنی بر فطرت است می‌تواند ارائه الگویی جامع از انسان متعالی فضیلت‌مند و مدینهٔ آرمانی و نویدبخش تحقق اهداف انبیا و ادیان الهی باشد. به‌علاوه می‌توان اذعان کرد بسیاری از مشکلات اخلاقی و اجتماعی ایران معاصر

ناشی از بی‌توجهی نظری و عملی به اندیشه‌های فضیلت‌گرایانه امام خمینی است.

پیشینه پژوهش

در موضوع فضایل عقلانی و اخلاقی در اندیشه امام خمینی کتاب یا مقاله‌ای مستقل یافت نشد؛ ولی مقالاتی با عناوینی مرتبط وجود دارد که هرکدام به صورت غیرمستقیم به ابعدی از این موضوع پرداخته‌اند. مقالات یافته شده مرتبط با موضوع در پژوهشنامه متین عبارتند از: مهدی پور (۱۳۹۸). در مقاله‌ای با عنوان «نسبت فضیلت‌گرایی و غایت‌انگاری در اندیشه اخلاقی امام خمینی» به تناسب موضوع مباحث فضیلت را در اندیشه امام مورد دقت نظر قرار داده است. بهشتی (۱۳۹۸) محدودیت‌ها و ناتوانی‌های عقلانی از دیدگاه امام خمینی را مورد پژوهش قرار داده است. رهبر و کیانی شاه‌وندی (۱۳۹۶). به بررسی پنج شاخص اخلاقی در اندیشه و عمل امام خمینی می‌پردازد. در پیشینه این موضوع در سایر مجلات معتبر می‌توان به مواردی اشاره کرد که به‌طور غیرمستقیم به جوهری از این موضوع پرداخته‌اند از جمله: صادقی (۱۳۸۴) «اخلاق فضیلت‌مدار در دیدگاه مرحوم نراقی و امام خمینی» در بحثی تطبیقی به مقایسه فضایل اخلاقی از دیدگاه مرحوم نراقی و امام خمینی پرداخته است. مقاله دیگری با عنوان «کرامت انسان از دیدگاه امام خمینی» نوشته نجات ریزن و همکاران (۱۳۹۴) در بخشی از مقاله به بحث از فضایل انسانی پرداخته است. هیچ یک از مقالات یاد شده در پی ارائه طرحی نظام‌مند از بحث فضایل عقلانی و اخلاقی در منظومه فکری امام در ارتباط با دیگر اندیشه‌های بنیادین فلسفی و عرفانی ایشان نبوده‌اند؛ وجه تمایز مقاله حاضر با سایر آثار مرتبط با این موضوع، تبیین نظام‌مند و مستقل بحث فضایل عقلانی و اخلاقی در دستگاه فکری امام خمینی و چگونگی ارتباط فضایل عقلانی و اخلاقی با مفهوم محورین فطرت در بستر رویکرد عمل‌گرایانه ایشان است.

چیستی فضیلت از منظر امام خمینی

فضیلت از جمله واژگان پر ابهام و بحث‌برانگیز در تاریخ تفکر بشر به شمار می‌رود که بسان حریت و آزادی، معانی متعددی برای آن ذکر شده در نگاه کلی به بستر معانی فضیلت می‌توان گفت که این تعاریف از عقبه فکری و نظری متفاوت و متعدد برخوردار است

به گونه‌ای که نوع نگاه اندیشمندان به انسان و گرایش‌های انسان‌شناسانه آنان در تفسیر و تعریف فضیلت نقش بسیاری داشته است. اغلب تعاریف فضیلت تعریف به رسم و برترین مصادیق آن است (نصیرالدین طوسی، ۱۳۹۵، ص. ۶۵). چنانکه سقراط فضیلت را «آرته یا همان معرفت و دانایی» دانسته (سید قریشی، ۱۳۹۴، ص. ۱۰) و تمامی فضایل اخلاقی را نیز به حکمت و دانایی بازمی‌گرداند. ارسطو فضایل را از جمله ملکات می‌داند (ارسطو، ۱۳۷۸، ص. ۶۲) و قائل است صاحب یک فضیلت کسی است که همواره مطابق آن رفتار کند (ارسطو، ۱۳۷۸، ص. ۶۳). او بر این باور است که برای درک روشنی از فضیلت انسانی باید حقیقت او را شناخت (سید قریشی، ۱۳۹۴، ص. ۲۴۰).

ملاصدرا که بر اساس تفکر وجود محورش فضایل را از اوصاف وجود دانسته آگاهی و معرفت را صدر فضایل عقلانی و همان معرفت الله می‌داند (ملاصدرا، ۱۳۶۸، ج ۵، ص. ۱۷). وی با مبانی فلسفی خویش نقش فضایل اخلاقی را در تعالی انسان به بهترین نحو آشکار می‌سازد. امام خمینی با الهام از حکمت متعالیه در بحث از چیستی انسان با تأکید بر دو ویژگی لایتناهی بودن و تربیت‌پذیری، شکوفایی، تعالی و فضیلت‌مندی او را اموری وجودی و دارای مراتب دانسته‌اند (ر.ک. به: بهجت، ۱۴۰۰، صص. ۱۱-۱۲). وی در تعریف فضایل توجه و تأکیدی خاص بر فطرت آدمی دارد. نظریه فضیلت فطری امام متأثر از استاد وی، مشهور به فیلسوف فطرت، آیت الله شاه‌آبادی است. (ر.ک. به: شاه‌آبادی، ۱۳۸۷، صص. ۱۵۹-۱۲۷). این تعریف از فضایل، نوآوری ایشان در مباحث اخلاقی است و پیش از وی سابقه‌ای در علم اخلاق نداشته. فضیلت‌گرایی فطری امام را می‌توان از شاخه‌های اخلاق فضیلت‌گرا دانست.

فطرت لغتی برگرفته از قرآن کریم و به معنی ابداع و آفرینش بدون سابقه است (مطهری، ۱۳۷۲، صص. ۱۸-۱۹)؛ و مراد از آن آفرینش انسان به گونه‌ای خاص است (مطهری، ۱۳۸۷، ج ۳، ص. ۴۴۵). از منظر امام بدون توجه به ذات، نهاد یا همان فطرتی که آدمی بر آن سرشته و آفریده شده است نمی‌توان درکی روشن از فضایل انسان متعالی به دست آورد. شهید مطهری که از شاگردان امام خمینی است نیز قائل به نظریه فطرت در باب فضایل است. وی معتقد است انسان به سبب فطرت کمال‌جویش رو به کمال می‌رود؛ و فطرت انسان توجیه مناسبی برای تکامل‌جویی انسان است؛ و حتی فیلسوف بزرگی چون سقراط ریشه علم را

در فطرت انسان می‌دانست و با تحلیل قضایا و برگرداندن آن‌ها به اصل و فطرت انسان به اثبات مدعای خویش می‌پرداخت به گونه‌ای که برای طرف مقابل چاره‌ای جز پذیرش باقی نمی‌ماند (ر.ک. به: مطهری، ۱۳۸۷، ج ۱۵، صص. ۸۲۸-۸۱۴). اختصاص فطرت به انسان سبب انحصار فضیلت‌مندی در نوع انسانی و جدایی او در این ویژگی از سایر حیوانات است. امام خمینی در این باره می‌گویند:

مقصود از فطرت الله، که خدای تعالی مردم را بر آن مفسور فرموده، حالت و هیئتی است که خلق را بر آن قرار داده، که از لوازم وجود آنها و از چیزهایی است که در اصل خلقت خمیره آنها بر آن مخمر شده است؛ و فطرت‌های الهی، چنانچه پس از این معلوم شود، از الطافی است که خدای تعالی به آن اختصاص داده بنی‌الانسان را از بین جمیع مخلوقات و دیگر موجودات یا اصلاً دارای این گونه فطرت‌هایی که ذکر می‌شود نیستند، یا ناقص‌اند و حظ کمی از آن دارند (امام خمینی، ۱۳۹۴، ص. ۱۸۰).

امام فضیلت یا خیر را همان فطرت مخموره و رذیلت و شر را مساوی فطرت محجوبه می‌داند. «در بیان آنکه، فطرت مخموره بی‌حجاب وزیر عقل و مبدأ خیرات است و خود خیر است و فطرت محجوبه به طبیعت وزیر جهل و مبدأ شرور و خود شر است...» (امام خمینی، ۱۳۷۷، ص. ۸۰).

عشق به کمال مطلق در ذات و خمیرمایه بشر نهفته است با ارتکاب معاصی فطرت مخموره به کدورت گراییده و در حجاب‌هایی فرورفته و به فطرت محجوبه بدل می‌شود. به گونه‌ای که نور فطرت مخموره به کلی منطفی می‌گردد.

و تفصیل این اجمال اجمالاً این است که نفس در بدو فطرت، خالی از هر نحو کمال و جمال و نور و بهجت است، چنانچه خالی از مقابلات آن‌ها نیز هست. گویی صفحه‌ای است خالی از مطلق نقوش: نه دارای کمالات روحانی و نه متصف به اضداد آن است. ولی نور استعداد و لیاقت برای حصول هر مقامی در او ودیعه گذاشته شده است و فطرت او بر استقامت و خمیره او مخمر به انوار ذاتیه است و چون ارتکاب معاصی کند، به واسطه آن در دل او کدورتی حاصل شود؛ و هر چه معاصی بیشتر شود، کدورت و

ظلمت افزون گردد تا آنکه یکسره قلب تاریک و ظلمانی شود و نور فطرت منطقی گردد و به شقاوت ابدی رسد (امام خمینی، ۱۳۹۴، ص. ۲۷۲).

رهیافت‌های عقل عملی سبب استقرار و ظهور فطرت مخموره در انسانند و با عدم تعیین مصداق صحیح برای گرایش‌های فطری، رذیله و یا همان فطرت محجوبه مانع تعالی خواهد شد. عشق به کمال، خیر و سعادت و تنفر از نقص و شقاوت دو ویژگی اصلی فطری در انسانند که نوع رفتارهای فضیلت آمیز برخاسته از این دو گرایش رئیسه‌ی فطری است. ارتباط فضیلت با فطرت در نگاه خاص امام حاکی از قول به عمومیت فضایل در سرشت و نهاد آدمی است چنین رویکردی خواستگاه فضایل و رذایل را فطرت انسان می‌داند و نقش حکمت عملی را تبیین، تحلیل و شکوفایی آن معرفی می‌کند. آنچه سبب تفاوت و اختلاف مردم در مذاهب، محیط‌ها و مکاتب مختلف است تشخیص متعلقات فطرت مصادیق و مراتب آن است. امام در شرح چهل حدیث در این باره می‌گوید:

یکی از فطرت‌هایی که جمیع سلسله بنی الانسان مخمّر بر آن هستند و یک نفر در تمام عایله بشر پیدا نشود که بر خلاف آن باشد و هیچیک از عادات و اخلاق و مذاهب و مسالک و غیر آن آن را تغییر ندهد و در آن خلل وارد نیآورد، فطرت عشق به کمال است، که اگر در تمام دوره‌های زندگانی بشر قدم زنی و هر یک از افراد هر یک از طوایف و ملل را استنطاق کنی، این عشق و محبت را در خمیره او می‌یابی و قلب او را متوجه کمال می‌بینی (امام خمینی، ۱۳۹۴، ص. ۱۸۲).

امام خمینی در جنود عقل و جهل تمام آحاد بشریت را دارای فطرت دانسته به گونه‌ای که هیچ طایفه یا گروهی در اصل فطرت از گروه دیگر ممتاز نیستند گر چه در مدارج و مراتب ممکن است تفاوت داشته باشند ولی این امر واسطهٔ احتجاب به طبیعت و کثرات عالم مادی است به سبب زیادت یا قلت حجاب‌ها و کثرات عالم و دل‌بستگی‌هاست که آدمیان در تشخیص کمال مطلق متفرق و مختلف شدند. اختلاف محیط‌ها و عادات و مذاهب و عقاید بر مراتب فطرت و قدرت تشخیص امور فطری تأثیر گذاشته است و سبب اختلاف‌ها و تفاوت‌های گوناگونی گشته است (امام خمینی، ۱۳۷۷، ص. ۸۰).

گستره فضایل

اندیشه وجودی رکن محوری تفکر انسان‌شناسی فلسفی امام و بن‌مایه اندیشه‌های فضیلت‌گرایانه اوست. وجود، نورانیت و کمال مطلق در بیان فلسفی امام از فضیلت، مساوق یکدیگر و از شئون الهیه هستند. تمامی موجودات عالم امکان، دارای دو جهت یا دو وجهه هستند یکی وجهه نورانیت، وجود و اطلاق و کمال که امام آن را جهت غیبیه و الهیه و آیات ربانی می‌نامند و دیگری جهت ظلمت و تعین و نقص که مربوط به وجهه ظلمانی و نفسانی موجودات است (امام خمینی، ۱۳۷۷، ص. ۲۵۸). ایشان مفاهیم علم و وجود را نیز مساوق یکدیگر می‌داند: «نظام وجود و طراز غیب و شهود، به برکت علم منتظم شده... بلکه علم و وجود، مساوق هستند و هر جا شعاع هستی افتاده، به همان اندازه شعاع نور علم افتاده است. از این جهت، خلّو از تمام حقیقت علم، خلّو از تمام حقیقت وجود است و خالی از آن، معدوم مطلق است» (امام خمینی، ۱۳۷۷، ص. ۲۵۹).

چنین تبیینی از فضایل ریشه در تفکرات صدرایی امام دارد. بر این مبنا، فضایی که باوجود آدمی متحد شده‌اند تعالی بخش وجود بسیط او و اشتداد دهنده مراتب بی‌شمار آن هستند (ر.ک. به: سبحانی، ۱۳۸۱، ج ۱، ص. ۵۰۸) فضایل اکتسابی، اموری وجودی و ذو مراتب و دارای درجات متکثرند (ر.ک. به: امام خمینی ۱۳۷۷: ۱۶۶). علاوه بر آن فضایل از آن جهت که مساوق وجود هستند؛ مشترک معنوی برای مصادیق بی‌شمار خود محسوب می‌شوند (ر.ک. به: امام خمینی ۱۳۷۷: ۲۵۹). از این رو فضایل متحد با وجود آدمی به تبع وجود لایتنهای‌اند. گویا دوگانه انگاری فضایل و وجود، انتزاع عقلی است؛ بنابراین امام خمینی هیچ پایانی برای درجات فضایل آدمی متصور نبوده چنانکه برای وجود آدمی نیز قابل تصور نیست (ر.ک. به: امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۳، ص. ۳۵). امام ذو مراتب بودن فضایل را با مثال مشهور علمای اخلاق در رتبه‌بندی فضایل تبیین می‌کنند. در این مثال فضیلت به مثابه نقطه مرکزی دایره‌ای لحاظ می‌شود که هر نقطه‌ای از هر شعاعی در این دایره دربردارنده مراتب شدید تا ضعیف فضایل است (اردبیلی، ۱۳۸۱، ج ۳، ص. ۳۵۶).

فضایل انسان متعالی

نخستین بار ارسطو فضایل را به عقلانی و اخلاقی تقسیم کرد (ارسطو، ۱۳۷۸، ص. ۴۹). تا

پیش از وی اگرچه از فضایل اخلاقی نیز سخن گفته می‌شد؛ ولی بر مبنای تفکر سقراط و افلاطون تمامی فضایل به حکمت و دانایی که فضیلتی عقلانی است برگردانده می‌شد. بعد از ارسطو حکمای مسلمان نیز فضایل را تحت عنوان اخلاقی و عقلانی و یا عناوین دیگری چون حکمت نظری و عملی مورد بحث قرار داده‌اند (نصیرالدین طوسی، ۱۳۹۵، ص. ۶۴)؛ و به علاوه ذیل چنین تقسیمی به فضایل دینی و معنوی نیز پرداخته‌اند امام خمینی اگرچه صراحتی در طرح این تقسیم برای فضایل فطری انسان ندارند؛ اما از قراین کلام و نوع ورودشان در بحث از فضایل فطری می‌توان دریافت که چنین تقسیماتی را برای فضایل پذیرفته‌اند (ر. ک. به: امام خمینی، ۱۳۷۷، ص. ۲۵۷). معنایی که از فضایل عقلانی ارائه می‌دهند مساوق حکمت نظری صرف نیست بلکه تعبیر حکمت در اندیشه امام تعبیری شمول دار و دربرگیرنده حکمت عملی نیز است. ایشان بحث از فضایل را با برشمردن اجناس چهارگانه آن آغاز می‌کند و در این باره می‌گوید:

حکما جميع اجناس فضایل را چهار فضیلت دانند: حکمت، شجاعت، عفت، عدالت؛ زیرا که نفس را دو قوه است: قوه ادراک و قوه تحریک؛ و هر یک از این دو را به دو شعبه منقسم فرمودند؛ اما قوت ادراک منقسم شود به عقل نظری و عقل عملی؛ و اما قوت تحریک نیز منقسم شود به قوه دفع - که آن شعبه غضب است - و قوه جذب - که آن شهوت است - و تعدیل هر یک از این قوای چهارگانه و خارج نمودن آن‌ها را از حد افراط و تفریط، فضیلتی است. پس حکمت عبارت است از: تعدیل قوه نظریه و تهذیب آن (امام خمینی، ۱۳۷۷، ص. ۱۵۱).

امام خمینی در بین این فضایل، علم یا همان حکمت را به عنوان حد اعتدال قوه علم و فضیلتی عقلانی می‌پذیرد.

حکمت (ام الفضایل)

در بیان امام، علم، موجب استکمال و تعالی و افضل فضایل انسان متعالی است. اشرف اسماء الهیه و از صفات موجود بماهو موجود، مساوق باوجود و کمال مطلق بوده و هیچ موجودی در کائنات تهی از علم نیست؛ خلو از علم مساوی خلو از هستی و وجود است

امام خمینی، ۱۳۷۷، ص. ۲۵۹). می‌توان فضیلت عقلانی علم را در شاکله انسان متعالی امام رصد نمود؛ بارزترین نمونه آن نظریه ولایت فقیه است که علم، حکمت، فقاقت و اجتهاد از شرایط اساسی و بنیادین آن است. علمی که افضل فضایل بوده و از جامعیت نظری و عملی برخوردار است مشروعیت بخش حاکمان سیاسی و عنصر مقوم و فضیلت بخش در تشکیل مدینه فاضله نیز است. «حاکم و خلیفه اولاً باید احکام اسلام را بدانند، یعنی قانون دان باشد؛ و ثانیاً عدالت داشته از کمال اعتقادی و اخلاقی برخوردار باشد». «قانوندانی» و «عدالت» از نظر مسلمانان شرط و رکن اساسی است. چیزهای دیگر در آن دخالت و ضرورت ندارد... آنچه مربوط به خلافت است و در زمان رسول اکرم (ص) و ائمه ما (ع) درباره آن صحبت و بحث شده و بین مسلمانان هم مسلم بوده، این است که حاکم و خلیفه اولاً باید احکام اسلام را بدانند، یعنی قانوندان باشد؛ و ثانیاً عدالت داشته از کمال اعتقادی و اخلاقی برخوردار باشد... علم و دیگری عدالت و این دو را خصلت ضروری «والی» قرار داده است. در عبارت و «لا الجاهل فیضلهم بجهله» روی خصلت «علم» تکیه می‌کند و در سایر عبارات روی «عدالت»، به معنای واقعی، تأکید می‌نماید» (امام خمینی، ۱۳۸۱، صص. ۵۷، ۴۷).

علم اگرچه از منظر امام در صدر فضایل آدمی است؛ ولی ایشان هر علمی را فضیلت نمی‌داند. به گونه‌ای که می‌توان در بیان وی به تعریفی خاص از علم که با شناخت فطرت گره خورده است دست یافت. علم از لوازم فطرت مخموره در انسان بوده و با نگاه به فطرت نوع انسان آشکار می‌شود که همه شایق و عاشق کمال مطلق و منزجر از نقصند و چون علم مساوق با کمال مطلق است پس انسان فطرتاً شایق به علم است.

علم، از لوازم فطرت مخموره و از جنود عقل است و جهل، از لوازم فطرت محجوبه و از جنود ابلیس است و این به مراجعه به فطرت بنی الانسان واضح شود که تمام سلسله بشر، عاشق کمال مطلق هستند... و همه متنفر از نقص هستند و چون علم با کمال مطلق مساوق است، پس عشق به کمال عشق به علم است و همین طور جهل نیز با نقصان توأم و مساوق است. علاوه، خود علم نیز به عنوان خود، مورد علاقه فطرت و جهل مورد تنفر آن است، چنانچه از مراجعه به فطرت بشر ظاهر شود. غایت امر آن که در

تشخیص علوم، خلاف بین آنها هست و این خلاف نیز از احتجاب فطرت است و الا علم مطلق مورد عشق و علاقه فطرت است (امام خمینی، ۱۳۷۷، صص. ۲۶۲-۲۶۱).

در بیان امام، علمی که موجب تعالی آدمی است و فطرت آدمی به آن مشتاق است مفاهیم کلیه و جزئیه یا علم ارتسامی و حتی علم بالله و صفات ذاتیه و اسماء نیست بلکه مراد از علم مشاهده حضوریه است. بر این اساس امام تبیینی ویژه از معرفت الله و علم به علوم باری تعالی به عنوان افضل فضایل انسان متعالی دارند و معرفت به ذات باری را شناختی نظری نمی‌دانند. کمال معرفه الله غرض و مقصود ذاتی، ترک همه تعینات و انانیت‌ها و رسیدن به مرتبه فنای مطلق است و همه علوم و استدلال‌ها، سنن و شرایع واسطه‌ای برای حصول به آن است.

علم و خصوصاً علم بالله و اسماء و صفات ... از اعظم فضایل است و علم به طرق براهین و فنون استدلالات و علم به مهلکات و منجیات و علم به سنن و آداب شریعت مطهره الهیه از مطلوبات غیریه است که به واسطه آنها علم بالله - که در باب علم مقصد اصلی و مقصود ذاتی است - حاصل شود... علم بالله به طور برهان نیز مقصود اصلی نیست... و باید دانست که علم به این معنی مشهور پیش عامه که عبارت از علم به مفاهیم و عناوین و علم ارتسامی است، مورد عشق فطرت نیست؛ زیرا که این‌ها ... از جهاتی ناقص هستند... پس جمیع علوم جزئیه و کلیه مفهومیه، مورد عشق فطرت نخواهد بود، حتی علم بالله و شئون ذاتیه و صفاتیه و افعالیه بلکه مورد علاقه و عشق فطرت، معرفت به طور مشاهده حضوریه است که به رفع حجب حاصل شود... و آنگاه فطرت به معشوق و مطلوب خود رسد که جمیع حجب ظلماتیه و نورانیه از میان برخیزد (امام خمینی، ۱۳۷۷، صص. ۲۶۲-۲۶۱).

در اندیشه وی حکمت عملی سایه بر حکمت نظری افکنده و علمی که صدرنشین فضایل عقلانی است حکمت نام گرفته است (ر. ک. به: اردبیلی، ۱۳۸۱، ج ۳، ص ۳۵۴). در رویکرد ایشان تمامی علوم نظری و همه معارف و شرایع مدخل وصول به حقیقت و طریق نیل به آن بوده، نه این که خود حقیقت باشند. از این رو، غایت فضیلت علم رفع حجب تعالی و نه انباشت ذهنی

اصطلاحات و الفاظ است که حاصل آن رهایی از تعینات و انانیت‌ها بوده و این مرتبه همان مشاهده حضوری حقایق است. امام خمینی در شرح جنود عقل و جهل به آیات متعددی از قرآن کریم نیز در افضلیت علم استشهاد می‌کنند (ر.ک. به: امام خمینی، ۱۳۷۷، ص. ۲۶۶). حافظ از چشمه حکمت به کف آور جامی بو که از لوح دلت نقش جهالت برود (حافظ، ۱۳۸۴، ص. ۱۹۷).

انسان متعالی امام با نور فهم بالفطره رو به سوی کمال دارد. فهم در بیان امام همان فطانت، ذکاوت و یا حدت ذهن و از لوازم فطرت مخموره است. معنای دیگر فهم، صفای باطن و سرعت انتقال در یافت حقایق و معارف است؛ اما اگر نور فهم به سبب کدورت‌های عالم طبیعت ضعیف گردد به فطرت محجوبه مبدل شده؛ حمق یا بلاهت و دوری از معنویات و معارف الهیه نتیجه آن است (ر.ک. به: امام خمینی، ۱۳۷۷، صص. ۲۷۴-۲۷۰). حدت ذهن یا صفای باطن که اموری فطری‌اند را می‌توان از فضایل عقلانی انسان متعالی دانست که به نوعی از لوازم اکتساب علم نیز محسوب می‌شوند.

فضایل اخلاقی

نقش برجسته حکمت عملی در تعالی انسان از نگاه امام خمینی تا بدانجاست که اغلب آثار ایشان معطوف به حکمت عملی و نقش آن در تعالی انسان است و توجه به حکمت عملی را در آثار برخی از عالمان کمرنگ تلقی می‌کنند. «گرچه کتب اخلاقی نوشته شده، مثلاً ابن مسکویه کتاب اخلاقی نوشته، ولی فیلسوفانه نوشته است و خواجه نوشته، ولی فیلسوفانه نوشته است و کلماتی مخلوط نموده‌اند که انسان را به عمل وادارد» (اردبیلی، ۱۳۸۱، ج ۳، ص. ۳۶۱).

شرح چهل حدیث و شرح جنود عقل و جهل ایشان مشحون از فضایل اخلاقی تعالی بخشی است که بن‌مایه آن‌ها فطرت فراگیر بشر است. در جنود عقل و جهل ۲۴ مورد از فضایل اخلاقی و دینی و رذایل مقابل آن را مورد بحث قرار داده‌اند؛ و در شرح چهل حدیث در حدود ۳۰ حدیث مستقیماً توضیح و تفسیر فضایل اخلاقی و دینی است. از آنجا که بحث از موارد متعدد فضایل اخلاقی مطرح در آثار امام سبب تطویل خواهد بود به تبیین دو فضیلت اصلی اخلاقی از منظر وی می‌پردازیم.

عدالت (ام الفضایل اخلاقی)

عدالت نقشی محوری در تکون انسان متعالی دارد. این مفهوم با ساحات متعدد فلسفی، اخلاقی، اجتماعی و دینی در طول تاریخ همواره مورد توجه و محل تضارب آراء بوده است. به عنوان نمونه موضوع اصلی کتاب جمهور افلاطون مباحث مفصل و دامنه داری درباره عدالت اخلاقی است و ارسطو در فصل پنجم از اخلاق نیکو ماخوس بحث های را درباره این فضیلت اخلاقی مطرح می کند. ارسطو عدالت را نه بخشی از فضایل که همه فضیلت دانسته و تمام فضایل اعم از عقلانی و اخلاقی را به عدالت بازمی گرداند (ارسطو، ۱۳۷۸، ص. ۱۸۳). از منظر ملاصدرا عدالت، مجموع فضایل نفسانی است و در عین اینکه خود فضیلتی مستقل می باشد. او در اسفار اربعه می گوید: بدان که اصلی ترین فضایل نفسانی و اخلاق انسانی که سرآغاز اعمال حسنه هستند بر سه قسم است شجاعت و عفت و حکمت و مجموع آنها عدالت است (ملاصدرا، ۱۳۶۸، ج ۴، ص. ۲۰۶). عدالت از منظر صدرا حد وسط و نقطه تعادل همه فضایل آدمی نیز محسوب می شود که در جلد ۹ اسفار از آن بحث می کند^۱. امام خمینی ضمن تسمیه علم اخلاق به سنت عادلانه نقش مهم عدالت در میان فضایل و ملکات را به مثابه بنیان و بنیاد آنها تبیین می کند. ایشان عدالت را از امهات فضایل اخلاقی و حد وسط افراط و تفریط می دانند به گونه ای که جمع همه فضایل آدمی است. «اما دلیل بر آنکه «فریضه عادلانه» راجع به علم اخلاق است، توصیف فریضه است به عادلانه؛ زیرا که خلق حسن، چنانچه در آن علم مقرر است، خروج از حد افراط و تفریط است و هر يك از دو طرف افراط و تفریط مذموم و «عدالت»، که حد وسط و «تعديل» بین آنهاست، مستحسن است» (امام خمینی، ۱۳۹۴، ص. ۳۹۱).

ذات پروردگار و در ظل او انسان کامل، نبی اکرم (ص) بر سبیل اعتدال است (امام خمینی، ۱۳۷۷، ص. ۱۴۸). عدالت در اندیشه وی متعلقات متعددی دارد که از جلوه معارف و توحید در قلوب اهل معرفت و درک حقایق وجودیه به صورت کامل را شامل می شود، عمده

۱. «الصوره الباطنه لها ارکان لابد من حسن جمعها حتی یحسن الخلق وتحصل الحکمه والحریه وهی اربعه معان وقوة العلم وقوه الغضب وقوه الشهوة وقوة العدل بین هذه الامور فاذا استوت هذه الارکان الاربعه التي هی مجامع الاخلاق التي تتعشب منها الاخلاق غیر محصورة واعتدلت و تناسقت حصل حسن الخلق» (ملاصدرا، ۱۳۶۸، ج ۹، ص. ۸۹).

مباحث ایشان درباره عدالت به عنوان یکی از فضایل نفسانی در معنی اعتدال قوای انسانی (وهم، غضب، شهوت) است. امام در این باره می گوید:

در جلوه معارف الهیه و جلوات توحید در قلب اهل معرفت که چه عدالت در آن عبارت است از عدم احتجاب از حق به خلق و از خلق به حق... و این مختص به کَمَل اهل الله است، تفریط و افراط در این مقام، احتجاب از هر يك از حق و خلق است به دیگری... که عدالت در آن عبارت است از ادراك حقایق وجودیه علی ما هی علیه از غایت القصوی کمال اُسْمائی تا منتهی النهایه رجوع مظاهر به ظواهر، که حقیقت معاد است؛ و چه در اخلاق نفسانیه، که اعتدال قوای ثلاثه است؛ یعنی، قوه شهویّه و غضبیّه و شیطانیّه (امام خمینی، ۱۳۷۷، ص. ۱۴۸).

قوای نفسانی دارای جهت افراط یا تفریط است که هر یک از این دو جهت رذیله برای نفس محسوب می شوند. خروج از حد اعتدال همان ظهور فطرت محجوبه و موانع تعالی انسانی است. از نظر امام عدالت رکن کمال اخلاقی و نفسانی انسان متعالی و عمود جامعه ایدئال الهی انسانی است که تمام ساحات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی ظرف تحقق آن است به گونه ای که یکی از شروط اساسی و مهم ولایت فقیه محسوب می شود. (ر.ک. به: امام خمینی، ۱۳۸۱، صص. ۴۹-۴۸). عدالت که به تصریح کتاب و سنت از اهداف مهم انبیا و حاکمیت اولیا و ائمه^(ع) و از اهداف ظهور منجی بشریت و حاکمیت اسلامی محسوب می شود از نگاه امام همان بسط صفت حق تعالی در وجود فردی و اجتماع انسانی است. البته بسط عدالت، همان بسط صفت حق تعالی است برای اشخاصی که چشم دارند. بسط عدالت هم می دهند، عدالت اجتماعی هم به دست آنهاست، حکومت هم تأسیس می کنند، حکومتی که حکومت عادلانه باشد؛ لکن مقصد این نیست، این ها همه وسیله است که انسان برسد به یک مرتبه دیگری که برای آن، انبیا آمده اند (امام خمینی، ۱۳۹۲، ص. ۱۷۱).

شجاعت

«شجاعت، که یکی از اصول و ارکان اخلاق حسنه و ملکه فاضله است، عبارت است از حالت متوسطه و معتدله بین افراط، که از آن تعبیر شود به تهور- و آن عبارت است از

ترسیدن در مواردی که ترس سزاوار است - و بین تفریط، که از آن تعبیر شود به جن - و آن عبارت است از ترسیدن در مواردی که سزاوار ترس نیست» (امام خمینی، ۱۳۹۴، ص. ۳۹۱). غضب آنگاه که تحت تدبیر عقلانی و مدیریت آن واقع گردد. شجاعت نام می‌گیرد برای قوه غضب با این بیان سه مرحله تصور دارد، از نقطه مرکزی که حد اعتدال باشد، تعبیر به «شجاعت» می‌شود؛ یعنی این قوه، تحت سیطره عقل است و به گونه‌ای که هر جا عقل تجویز کند فعال می‌شود و هرگاه تجویز عقل در میان نباشد حرکتی از او حاصل نمی‌شود؛ یعنی حرکت و سکونش به فرمان قوه عقل انسان است (اردبیلی، ۱۳۸۱، ج ۳، ص. ۳۵۸). در بیان امام قوه شجاعت رکن اخلاق حسنه، فضیلت انسان متعالی، از نعمات بزرگ الهی و صفات انبیا و اولیا محسوب می‌شود حفظ و بقای شخص، نوع و نظام انسانی متوقف بر آن است و مدخلیتی ویژه در تشکیل مدینه فاضله دارد. جهاد، شهادت، امر به معروف و نهی از منکر و اجرای حدود و تعزیرات جز در سایه این قوه تحقق نمی‌یابد (امام خمینی، ۱۳۹۴، ص ۱۳۴). در بنی آدم این قوه را سرمایه زندگانی ملکی و ملکوتی و مفتاح خیرات و برکات قرار داده. جهاد با اعداء دین و حفظ نظام عایله بشر و ذب از جان و مال و ناموس و سایر نوامیس الهیه و جهاد با نفس که اعداء عدو انسان است، صورت نگیرد مگر به این قوه شریفه. حفظ تجاوزات و تعدیات و حدود و ثغور و دفع موزیات و مضرات از جامعه و شخص در زیر پرچم این قوه انجام گیرد. از این جهت است که حکما برای دفع خاموشی و خمودی آن علاج‌ها قرار دادند (امام خمینی، ۱۳۹۴، ص. ۱۳۵).

توجه خاص امام به کارکردهای اجتماعی شجاعت و دیگر فضایل اخلاقی تمایز بخش مکتب اخلاقی او از بسیاری اندیشه‌هاست. ایشان سکونت و طمأنینه نفس را از فروع شجاعت دانسته است که آثار متعدد و مهمی در تعالی انسان دارد. از ثمرات آن خودداری نفس در برابر شداید و پیشامدهای ناگوار و ناملایمت‌های روحی است. ایشان آیه شریفه «فَأَسْتَقِمُّ كَمَا أُمِرْتُ وَ مِنْ تَابِ مَعَكَ» (هود: ۱۱۲). را اشاره به این معنا دانسته و ایجاد شجاعت به معنی استقامت روحی و سکون نفسانی را در جامعه را از مهم‌ترین و دشوارترین امور می‌دانند (امام خمینی، ۱۳۷۷، صص. ۳۶۰-۳۵۹).

عفت

حد اعتدال بهره‌گیری از لذائذ و درخواست‌های نفسانی (قوه شهوت) عفت نام دارد. در بیان امام‌هنگامی که امیال نفسانی تحت تدبیر و تسلط عقلانی واقع گردد و از حد افراط و تفریط خارج نشود سکون و طمأنینه برای آن حاصل شده و صبغه الهی به خود می‌گیرد در چنین حالتی از آن به عفت تعبیر می‌شود (امام خمینی، ۱۳۷۷، ص. ۲۷۸). حواس و وهم انسانی منشأ و خواستار لذائذ و کام‌جویی‌هاست این امور در نهاد بشر به ودیعه گزارده شده تا علاوه بر پیشبرد حیات مادی مقدمه‌ای برای تعالی او نیز باشد. به گونه‌ای که توجه به لذت‌ها و آگاهی از آن‌ها به‌عنوان نعمات بی‌حد و حصر پروردگار آدمی را متنبه نموده و مسیر پر امتحان و دشوار تعالی در عبور از لذات است. انسان تعالی‌یافته در بهشت نیز متعمم به لذائذ و زیبایی‌ها می‌شود. از این رو، لذت‌ها فی‌نفسه اموری ارزشمند و از نعمت‌های الهی‌اند که تسلط و جهت‌دهی به آن‌ها تعالی‌بخش آدمی است.

عفت در نگاه امام از لوازم فطرت مخموره در انسان بوده و اشتیاق و میل به اعتدال در آن امری فراگیر در بین ابناء بشر است تنفر از هتک، فحشا و زیاده‌روی در لذائذ نیز به همان عمومیت است.

عفت از فطریات و لوازم فطرت مخموره و از جنود عقل است و هتک از لوازم فطرت محجوبه و از جنود ابلیس و جهل است؛ زیرا که عدالت در قوا که به‌منزله جنس است از برای عفت، فطری است و جور برخلاف فطرت است، چنانچه گذشت و نیز خود عفت و حیا و حُجُب از فطریات تمام عایله بشر است، چنانچه تهتک و فحشا و بی‌حیایی برخلاف فطرت جمیع است، لهذا در نهاد عاقله بشری، عشق به عفت و حیا مخمور است و تنفر از هتک و بی‌حیایی نیز مخمّر است (امام خمینی، ۱۳۷۷، ص. ۲۷۹).

عفت علاوه بر این که فضیلتی مستقل محسوب می‌شود. منشأ بسیاری از کمالات و فضایل آدمی همچون سخاوت، امانت، حیا و... است. این فضیلت میانه‌ای در بین لذائذ و کام‌جویی‌های بی‌حد و حصر است که افراط در آن‌ها موجب سقوط و تفریط در آن‌ها سبب بازماندن از تعالی و تعادل است. در اندیشه امام امیال نفسانی هیچ‌گاه سرکوب نمی‌شوند بلکه تعادل در بهره‌گیری از آن‌ها، خود سبب تعالی انسان است.

از اصول قوا، قوه شهوت - که همان مبدأ امیال است - می باشد... از حد اعتدالش به «عفت» تعبیر آورده می شود. البته آدم عقیف آن نیست که قوه شهوتش به کلی مرده باشد و هیچ گونه میلی نداشته باشد؛ مثل آن زاهد، يك گوش و چشم خود را ببندد و بگوید چشم و گوش دیگر برای من بس است و برود اعتزال تمام اختیار کند، بلکه حد اعتدال این قوه این است که میل های نامشروع به حقوق و نوامیس دیگران نداشته باشد و خیال های خام به شهوت نبندد و طرف تفریط آن «خمود» است و طرف افراطش حرص و وقاحت و تبطیر و ریا و حسد و امثال آن هاست (اردبیلی، ۱۳۸۱، ج ۳، ص. ۳۵۹).

عفت و تعادل در امیال نفسانی زمانی حاصل می شود که نفس مصداق صحیح و راستین لذت ها را بیابد و در سایه آن به معرفت و خود آگاهی دست یابد از این رو بسیاری از لذات و زیبایی های هستی مبین و معرف خالق هستی بوده و مدخل طی طریقت برای آدمی است. دستیابی به عفت از اهداف برخی عبادات دینی است؛ روزه، امر به معروف و نهی از منکر، صبر بر طاعت و معصیت و کف نفس و... از جمله عباداتی است که این فضیلت را در انسان مستقر و ملکه می سازد. تعالی فردی بدون تحقق عفت فراگیر و عمومی در جامعه امری دشوار بوده و تحقق مدینه فاضله و جامعه متعالی در گرو برقراری عفت عمومی و نهادینه شدن این فضیلت بنیادین در جامعه است.

آموزه های اسلام زیربنای انسان شناسی اخلاقی امام خمینی و سبب توجه فراوان ایشان به فضایل دینی به عنوان رکن قوام بخش انسان متعالی است. وجود مبانی و شعائر دینی در آغاز و انجام اعمال از طریق نیت، تقرب و اخلاص و عبودیت منظمه ای از فضایل را با رنگ و بوی شریعت شکل داده که در ذات خود دینی و اخلاقی اند و فطرت انسانی با راهبری وحی و شریعت در طریق وصول به فضایل و تعالی قرار می گیرد. ایمان، رضا، توکل، شکر و... از فضایل دینی مطرح در آثار اخلاقی امام است که به بحث از آن ها در مقاله ای مستقل پرداخته خواهد شد (ر.ک. به: امام خمینی، ۱۳۷۷، صص. ۱۸۸-۱۶۱).

نتیجه‌گیری

۱. توجه به فطرت مدخل اندیشه‌های نوآورانه امام در بحث از فضیلت است. ایشان با طرح فطرت مخموره یعنی سرشت و خمیرمایه بشری که میل به کمال و تنفر از نقص دو گرایش اصلی آن است و فطرت محجوبه که خروج انسان از فطرت الهی و کمال‌جو به سبب اشتباه در تشخیص مصادیق کمال است؛ قائل به عمومیت فضیلت‌جویی در نهاد و ذات بشر است.
۲. ثمره نظریه فضیلت فطری امام توجه به ارزشمندی، شرافت و کرامت نوع انسان به‌عنوان مخلوق برتر خداوند است که دارای ظرفیت عظیم رشد و تعالی است. قول به عمومیت فضیلت‌خواهی در نهاد و سرشت آدمی با رویکرد ارزش‌مدارانه به انسان، ظرفیتی منحصر به فرد برای جهانی‌سازی اندیشه امام محسوب می‌شود.
۳. غلبه نگاه عمل‌گرایانه و نظریه فضیلت فطری امام سبب تبیین ویژه و نوآورانه ایشان از فضایل چهارگانه (حکمت، عدالت، شجاعت، عفت) است حکمت در تقریر امام مشاهده و درک حضوری حقایق به نحوی است که فطرت نوع بشر شایق به آن است در رویکرد ایشان علوم نظری مدخل وصول به حقیقت بوده و غایت علم تعالی‌بخش، رفع حجاب‌ها و رهایی از انانیت‌هاست. جهت‌گیری بسیاری از آثار امام به فضایل اخلاقی با بن‌مایه فطرت به سبب برجستگی نقش حکمت عملی در اندیشه وی و فرو کاستن حکمت نظری در حد مقدمه تحصیل حقایق است.
۴. عدالت بنیان و بنیاد ملکات اخلاقی، جمع و سرآمد فضایل آدمی و حد وسط آن‌هاست. فطری بودن عدالت سبب عمومیت آن بوده علاوه بر اینکه تعالی فردی بر آن استوار است؛ عمود جامعه انسانی و آرمانی است و ظرف تحقق آن تمام ساحات سیاسی، فرهنگی و اقتصادی را شامل می‌شود عدالت بسط صفت حق تعالی است که با حاکمیت مشروع انبیا، ائمه و اولیا تحقق می‌یابد.
۵. شجاعت که حد اعتدال قوه غضب بوده و تحت مدیریت و تسلط عقل حاصل می‌شود ضامن بقا و تعالی فرد و نظام نوع انسانی است و مدخلیتی ویژه در تشکیل جامعه متعالی دارد از جمله کارکردهای گسترده این فضیلت، اجرای عدالت، جهاد، شهادت، امر به معروف و نهی از منکر و... است.

۶. عفت که در اندیشه امام حد اعتدال برخوردار از لذت و درخواست‌های نفسانی است به نوعی تسلط بر قوای مختلف شهوانی بوده؛ میل و گرایش به آن از کمالات فطری و فراگیر و سبب تعالی فردی و اجتماعی است. فطرت مخموره که در پی یافتن مصداق صحیح لذت‌ها است باعث ورزیدن در سایه خود آگاهی و توجه به لذت‌ها به عنوان نعمات الهی به لذات جاودان بهشتی و قرب باری تعالی رهنمون می‌شود این فضیلت منشأ بسیاری از کمالات انسانی همچون سخاوت، امانت و کف نفس در برخوردار از افراط گونه از نعمات الهی بوده و بنیان شکل‌گیری مدینه فاضله است.

۷. نقش و پیوند ناگسستنی فضایل در تعالی انسان و نگرش ویژه و ارزش محورانه امام به نوع انسان تحت تأثیر دیدگاه خاص عرفانی و دینی ایشان است در اندیشه امام دستیابی به تعالی حقیقی بشر، غایت تحقق کنش‌های فضیلت‌آمیز در سطح فردی و جامعه فضیلت محور در سطح اجتماعی است که هدف نهایی انبیا از آدم تا خاتم بوده است.

ملاحظات اخلاقی

حامی مالی: مقاله حامی مالی ندارد.

مشارکت نویسندگان: تمام نویسندگان در آماده‌سازی مقاله مشارکت داشته‌اند.

تعارض منافع: بنا بر اظهار نویسندگان در این مقاله هیچ گونه تعارض منافی وجود ندارد.

تعهد کپی‌رایت: طبق تعهد نویسندگان حق کپی‌رایت رعایت شده است.

منابع

- اردبیلی، سید عبدالغنی (۱۳۸۱). تقریرات فلسفه. (تقریر اباحت امام خمینی)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- ارسطو (۱۳۷۸). اخلاق نیکوماخوس. ترجمه حسن لطفی، تهران: طرح نو.
- امام خمینی، سید روح‌الله (۱۳۹۲). تفسیر سوره حمد. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- امام خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۷). شرح جنود عقل و جهل. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

- امام خمینی، سید روح‌الله (۱۳۹۴). شرح چهل حدیث. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- امام خمینی، سید روح‌الله (۱۳۸۱). ولایت فقیه. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- امام خمینی، سید روح‌الله (۱۳۸۵). صحیفه امام خمینی. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ چهارم.
- بهجت، فاطمه (۱۴۰۰). انسان متعالی در اندیشه امام خمینی. تهران: سنجش و دانش.
- بهشتی، محمد (۱۳۹۸). محدودیت‌ها و ناتوانی‌های عقل از دیدگاه امام خمینی^(ره). پژوهشنامه متین، ۲۱(۸۲)، ۴۱-۶۱.

[dor: 20.1001.1.24236462.1398.21.82.3.5](https://doi.org/10.1001.1.24236462.1398.21.82.3.5)

- حافظ شیرازی، شمس‌الدین (۱۳۸۴). دیوان حافظ. تدوین محمدحسین مهرآیین، قم: برگ شقایق.
- رهبر، عباسعلی، کیانی شاهوندی، بیژن (پاییز ۱۳۹۶). بررسی پنج شاخص اخلاقی در اندیشه و عمل امام خمینی^(ره). پژوهشنامه متین، ۱۹(۷۶)، ۹۱-۱۱۷.

[dor: 20.1001.1.24236462.1396.19.76.5.1](https://doi.org/10.1001.1.24236462.1396.19.76.5.1)

- زگربسکی، لیندا (۱۳۹۲). معرفت‌شناسی. ترجمه کاوه بهبهانی، تهران: نی.
- سبحانی، جعفر (۱۳۸۱). تهذیب الاصول. (تقریر اباحت امام خمینی)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- سید قریشی، ماریه (۱۳۹۴). اخلاق عقلی و فلسفی (اخلاق ارسطویی). تهران: پژوهشگاه فرهنگ و معارف اسلامی.
- شاه‌آبادی، محمدعلی (۱۳۸۷). شذرات المعارف. تقریر آیت‌الله نورالله شاه‌آبادی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و معارف اسلامی.
- علی‌پور، فاطمه (۱۳۹۹). تبیین امام خمینی^(س) از تکامل نفس گنهکاران بر مبنای حکمت متعالیه. پژوهشنامه متین، ۲۲(۸۹)، ۸۵-۱۰۳.
- [doi: 10.22034/MATIN.2021.131734](https://doi.org/10.22034/MATIN.2021.131734) [dor:20.1001.1.24236462.1399.22.89.4.7](https://doi.org/10.1001.1.24236462.1399.22.89.4.7)
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۵). فلسفه اخلاق. تهران: صدرا.

- مطهری، مرتضی (۱۳۷۲). فطرت، تهران: صدرا.
 - مطهری، مرتضی (۱۳۸۷) مجموعه آثار. تهران: صدرا.
 - ملاصدرا، محمد ابن ابراهیم (۱۳۶۸). الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعة. قم: المكتبة المصطفوی.
 - مهدی پور، حسن (۱۳۹۸). نسبت فضیلت گرایي و غایت انگاری در اندیشه اخلاقی امام خمینی^(ع). پژوهشنامه متین، ۲۱ (۸۳)، ۹۹-۱۱۸.
- [dor: 20.1001.1.24236462.1398.21.83.6.0](https://doi.org/10.1001.1.24236462.1398.21.83.6.0)
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۹). اصول کافی. ترجمه سید جواد مصطفوی، تهران: کتاب فروشی علمیه اسلامیة.
 - نصی‌الدین طوسی، محمد بن محمد (۱۳۹۵). اخلاق ناصری. با تصحیح عزیز الله علیزاده، تهران: فردوس.
 - Aristotle. (1999). *Ethic of Nicomachus*. vol. 1, translated by Hasan Lotfi, Tehran: New design. [In Persian]
 - Alipour, F. (2021). Imam Khomeini's Clarification of Spiritual Perfection of Sinners based on Transcendental Wisdom. *Matin Research Journal*, 22(89), 85-103. [doi: 10.22034/MATIN.2021.131734](https://doi.org/10.22034/MATIN.2021.131734) [dor: 20.1001.1.24236462.1399.22.89.4.7](https://doi.org/10.1001.1.24236462.1399.22.89.4.7)
 - Ardabili S. A. (1990). *Lectures on philosophy*. Tehran: Imam Khomeini Editing and Publishing Institute. [In Persian]
 - Behjat, F. (2021). *Transcendent man in the thought of Imam Khomeini*. Tehran: measurement and knowledge. [In Persian]
 - Beheshti, M. (2019). Rational Limitations and Incapabilities of Reason in Imam Khomeini's Viewpoint. *Matin Research Journal*, 21(82), 41-61. [dor: 20.1001.1.24236462.1398.21.82.3.5](https://doi.org/10.1001.1.24236462.1398.21.82.3.5)
 - Hafez, Sh. (2005). *Divan Hafez*. edited by Mohammad Hossein Mehraayin, Qom: Anemone leaf. [In Persian]
 - Khomeini, S.R. (1991). *Adaab al-Salwah*, Tehran: Institute for Com-

- pilation and publication of Imam Khomeini's works, first edition. [In Persian]
- Khomeini, S.R. (2013). *Tafsir of Surah Hamad*, Tehran: Institute for Compilation and publication of Imam Khomeini's works. [In Persian]
 - Khomeini, S.R. (1998). *Explanation of the Hadith of the Soldiers of Wisdom and Ignorance*. Tehran: Institute for Compilation and publication of Imam Khomeini's works. [In Persian]
 - Khomeini, S.R. (2015). Description of 40 hadiths, Tehran: Institute for Compilation and publication of Imam Khomeini's works. [In Persian]
 - Khomeini, S.R. (1977). *Islamic Government (Velayat Faqih)*. Tehran: Institute for Compilation and publication of Imam Khomeini's works. [In Persian]
 - Khomeini, S. R. (2006). *Collection of Imam works*. Tehran: Imam Khomeini Education and Research Institute's Publications. [In Persian]
 - Kulayni, M. (1990). *Usul Kafi*. Translated by Seyyed Javad Mostafavi, Tehran: Ilmia Islamia bookstore. [In Persian]
 - Mehdipour, H. (2019). The Relationship between "Virtualism" and "Teleology" in Imam Khomeini's Ethical Thought. *Matin Research Journal*, 21(83), 99-118. [dor: 20.1001.1.24236462.1398.21.83.6.0](https://doi.org/10.1001.1.24236462.1398.21.83.6.0)
 - Motahari, M. (1996). *Moral Philosophy*. Tehran: Sadra. [In Persian]
 - Motahari, M. (1993). *Fitrat*. Tehran: Sadra. [In Persian]
 - Motahari, M. (2008). *Collection of works*. Tehran: Sadra. [In Persian]
 - Mulla Sadra, S. M. (1989). *Al-Hikma al-Mutaaliyyah fi al-Asfar al-Aqliyyah al-Araba*. Qom: Al-Maktabeh al-Mustafawi. [In Arabic]
 - Nasir al-Din al-Tusi, M. (2015). *Akhlaq Naseri*. With the correction of Azizullah Alizadeh, Tehran: Firdous Publishing. [In Persian]

- Syed Ghoreishi, M. (2014). *Rational and philosophical ethics (Aristotelian ethics)*. Tehran: Institute of Culture and Islamic Knowledges. [In Persian]
- Shahabadi, M. A. (2008). *Shazerat al-Ma arif*. commentary by Ayatollah Noorullah Shahabadi, Tehran: Islamic Culture and Knowledge Research Institute Publications. [In Persian]
- Sobhani, J. (2002). *Tahdhib al-Asul*, Masur, Institute for Editing and Preservation of Imam Khomeini's Works. [In Persian]
- Zagzebski, L. (2012). *Epistemology*. Translated by Kaveh Behbahani, Tehran: Ney Publishing. [In Persian]

COPYRIGHTS

©2023 by the authors. Published by Research Institute of Imam Khomeini and the Islamic Revolution. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) <https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>

